

دکتر ایران خازی

دانشگاه اصفهان

تحلیلی از مسائل سازمان همکاری اقتصادی * Eco ، در فرآیند توسعه

Dr. Iran Ghazi

University of Isfahan

Problems Faced by ECO in the Process of Development: An Analysis

In This article, the author tries to acquaint the reader with the aims and the objectives of ECO, and to explain why and how this organization was established. Geographical Situation, population density, gross national product and per capita electricity production of each member state are recorded. These factors are compared among member states as well as with a few comparable developed countries. He, then, gives an account of the major problems each country faces in the process of development and pinpoints the critical role Islamic Republic of Iran can play to promote the aims of the organization Eco.

مقدمه:

سه کشور جمهوری اسلامی ایران، جمهوری اسلامی پاکستان و جمهوری ترکیه از ۱۳۶۳ در سازمان همکاری اقتصادی «اکو» که شکل نوین و تجدید یافته ای از

* Economic Cooperation Organization.

RCD* است به نوعی تشکل اقتصادی دست یافتند و جمهوریهای مسلمان آذربایجان، ترکمنستان و ازبکستان نیز در بهمن ماه ۱۳۷۰ به آنها پیوستند. سرزمینهای شش کشور مزبور عمده‌ای از سیستمهای کوهستانی مرتفع چین خورده همراه با فلاتهای پیوسته و بیابانهایی نظیر بیابانهای قره‌قوم و قزل‌قوم و نیز بیابانهای مرکزی ایران تشکیل شده است و تنها جلگه‌های گسترده سند در پاکستان، توران در ترکستان و خوزستان در ایران با در اختیار داشتن سیستمهای بزرگی از رودخانه‌ها، امکانات قابل ملاحظه‌ای را جهت توسعه ارائه می‌دهند. در عین حال پاره‌ای از ملاحظات و مشکلات محیطی، توانهای بالقوه این جلگه‌های حاصلخیز را به تحلیل برده است. دو کشور آذربایجان و ایران تا همین زمان اخیر با دو جهان بینی سوسیالیسم و غیرسوسیالیسم برای مدتهای مدیدی از ذخائر عظیم نفت و گاز خود بهره‌برداری کرده‌اند اما در هیچیک از این دو کشور و در هر یک به نوعی بنیان اقتصادی نسبتاً مستقلی ریخته نشد. اکنون کشورهای بنیانگذار اگر می‌کشند تا با گسترش بازار منطقه‌ای، تحولی در اقتصاد خود و منطقه‌شان به وجود آورند و اعضای جدید نیز در عصر بریدن از جهان بینی سوسیالیسم، مایلند در راستای تجدید ساختار اقتصادی خود سرعت با دیگر اقتصادها پیوند بخورند. در عین حال رشد بالای جمعیت در همه این کشورها مانعی جدی در برابر تلاشهای توسعه می‌باشد. گرچه وجود برخی از اشتراکات که بزرگترین وجه آن اسلام و فرهنگ اسلامی است عامل مهم وحدت بخش در بین سه جمهوری آسیای مرکزی و سایر اعضای اگو می‌باشد اما مشکلات بین‌المللی و منطقه‌ای موجود و نیز نیاز به سرمایه‌گذارهای عظیم برای بازسازی و احیای ظرفیتهای محیطی و فیزیکی تخریب شده و پوسیده و آفرینش ظرفیتهای جدید تولیدی از مشکلات جدی موجود بر سر راه هر گونه تحول اقتصادی در این سازمان است. شناخت عمیق و صحیح این مشکلات گام نخستین تحول مزبور است و هدف این پژوهش نیز بر همین راستا استوار گشته است.

* Regional cooperation for Development.

۱- وسعت:

شش کشور جمهوری مسلمان تشکیل دهنده سازمان اکر که حدوداً در بین ۱۹ درجه عرض شمالی (۲۳ تا ۴۲ درجه) و ۵۴ درجه طول شرقی (۲۶ تا ۸۰ درجه) گسترش یافته اند دارای مساحتی به میزان ۴۳۴۴۷۰۰۷۰ کیلومتر مربع می باشند. این مساحت ۲٫۹ درصد وسعت خشکیهای جهان است. بزرگترین این کشورها، جمهوری اسلامی ایران می باشد که ۳۸٪ مساحت کل این شش کشور را تشکیل می دهد و کوچکترین کشورها جمهوری آذربایجان است که فقط حدود ۱۲٪ از وسعت منطقه را دارد. مساحت سه جمهوری تازه استقلال یافته شوروی سابق، یعنی ترکمنستان، ازبکستان و آذربایجان که عضو اکر هستند جمعاً ۱۰۲۴۳۰۰ کیلومتر مربع است که ۴٫۵ درصد از وسعت شوروی سابق و ۲۳٫۷ درصد وسعت سازمان اکر را نشان می دهد.

۲- جمعیت:

الف- توزیع جغرافیایی:

جمعیت شش کشور سازمان اکر ۲۵۷۴۵۶۰۰۰ نفر (در سال ۱۹۹۰) بوده که پاکستان با داشتن حدود ۴۴ درصد از این جمعیت، پرجمعیت ترین کشور این سازمان و ترکمنستان با داشتن ۱٫۳۴ درصد، کم جمعیت ترین کشور را نشان می دهد. سازمان اکر، ۴٫۸۵ درصد جمعیت جهان را دارا می باشد و جمعیت نسبی آن $۵۹٫۳$ نفر در کیلومتر مربع در مقایسه با $۳۵٫۷$ نفر در کیلومتر مربع متوسط جهان است. باید توجه داشت که تراکم جمعیت به هیچ وجه در سطح منطقه هماهنگ نیست بطوری که پاکستان با داشتن ۱۴۱ نفر در کیلومتر مربع بیشترین تراکم و ترکمنستان با ۷ نفر در کیلومتر مربع دارای کمترین تراکم جمعیتی می باشد.

ارقام مربوطه برای آذربایجان، ترکیه، ازبکستان و ایران به ترتیب ۸۰، ۷۳، ۴۴ و ۳۵ نفر در کیلومتر مربع بوده است. بدیهی است که هر یک از کشورهای مزبور

نیز در داخل خود دارای تفرقها یا تراکمهای جمعیتی می باشند که یکی از مهمترین عوامل کنترل کننده آن هم دسترسی به منابع آب کافی است چنان که در خود کشور ما بیشترین تراکمهای جمعیتی منطبق بر محور رودخانه ها، نظیر دره زاینده رود^۲ و یا نقاطی است که دارای آب باران زیاد نظیر سواحل دریای خزر می باشند^۳. همین وضعیت نیز در دره های رودخانه سند در پاکستان و یا آمودریا (جیحون) سیردریا (سیحون) و مرغاب و تجن در جمهوریهای ترکمنستان و ازبکستان حاکم است. چنان که مثلاً در ازبکستان که با داشتن حدود ۱۹/۶ میلیون نفر جمعیت پرجمعیت ترین جمهوریهای ترکستان شوروی سابق است تراکمهایی بین ۳ تا بیش از ۱۸۱ نفر در کیلومتر مربع وجود دارد^۴.

ب- رشد بالای جمعیت:

همه کشورهای عضو اگو که مسلمان نیز می باشند دارای رشد بالایی از جمعیت هستند که همین عامل خود یکی از مهمترین موانع توسعه و پیشرفت این کشورها می باشد، بخصوص که سه کشور از پرجمعیت ترین کشورهای این سازمان یعنی ایران، پاکستان و ترکیه دارای بیشترین رشدهای جمعیتی اند که به ترتیب ۳/۱۷،^۵ ۲/۹ و ۲/۲ درصد بوده است^۶. ارقام ثبت شده از رشد جمعیت در جمهوریهای سابق شوروی عضو اگو در دست نمی باشد. اما گزارش هیأت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان که از جمهوریهای ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان در فروردین ماه ۷۱ بازدید نموده اند و نیز سخنرانیهای اعضای هیأت علمی دانشگاه باکو در ایران، همگی بر رشد جمعیت زیاد این جمهوریها به عنوان یک مانع مهم بر سر راه توسعه آینده تأکید داشته است^۷. در عین حال جمعیت جمهوری ازبکستان که در سرشماری ۱۹۵۹، حدود ۸/۱ میلیون نفر بوده است^۸ در سال ۱۹۹۰ یعنی پس از حدود ۳۰ سال به حدود ۲۰ میلیون نفر افزایش یافته، یعنی در هر دوره ده ساله بیش از ۱/۵ برابر شده است که رقم بسیار بالایی است. یک نکته شایان ذکر آن است که در اتحاد جماهیر شوروی سابق رشد متوسط جمعیت برای همه پانزده جمهوری تشکیل

دهنده این اتحادیه سوسیالیستی اخیر زیر یک درصد، یعنی فقط ۰٫۸ درصد گزارش شده است که رقم پایینی است و چنان که می‌دانیم بیش از ۸۰ درصد جمعیت ۲۹۱ میلیونی اتحاد جماهیر شوروی سابق در جمهوریهای غیر مسلمان زیست می‌کنند. به منظور مقایسه، جالب خواهد بود هر گاه بدانیم که رشد جمعیت در کشورهای سوئد، ژاپن و ایالات متحده امریکا، با نظام اقتصادی خاص این کشورها، به ترتیب ۰٫۸، ۰٫۶ و ۰٫۶ درصد بوده است.^۹

ج - جوانی جمعیت، یک عامل بازدارنده توسعه:

رشد بالای جمعیت در همه کشورهای عضو سازمان اکو موجب گشته است که نسبت بالایی از جمعیت هر کشور را گروه سنی پایین تر از ۱۵ سال تشکیل دهد. بطوری که این نسبتها برای سه کشور پرجمعیت منطقه یعنی ایران، پاکستان و ترکیه به ترتیب ۴۴٫۴، ۴۴٫۳ و ۳۸٫۵ درصد می‌باشد. هر گاه نسبتهای گروه سنی ۶۰ سال به بالا را هم به ارقام فوق بیفزاییم بیش از نیمی از جمعیت این کشورها را تشکیل می‌دهد. چنان که این نسبت برای ایران و پاکستان ۴۹٫۶ و برای ترکیه ۴۵٫۱ درصد می‌باشد. همچنین یکی از مشکلات بزرگ این کشورها در رابطه با چنین ساختار جمعیتی آن است که می‌بایستی مبالغ هنگفتی از بودجه ملی برای آموزش این نیروی انسانی بیشمار و جوان بعمل آید تا برای ورود به بازار کار آماده گردند، که این خود پتانسیل منابع مالی برای سرمایه‌گذارهای اساسی در بخش تولید و یا زیربناها را به تقلیل می‌برد و از میزان و سرعت ایجاد اشتغال مولد می‌کاهد. ارقام مشابه در گروه سنی زیر ۱۵ سال برای شوروی سابق (تمام پانزده جمهوری که فعلاً سه تا از آنها عضو سازمان اکو هستند) ۲۴٫۸ و برای چند کشور پیشرفته نظیر سوئد، انگلستان ژاپن و ایالات متحده به ترتیب ۱۷٫۹، ۱۸٫۸، ۲۰ و ۲۱٫۵ درصد است.

د - ساختار اقتصادی جمعیت:

در تحلیلهای کلاسیک از توسعه، ساختار اقتصادی جمعیت یکی از متغیرهای

مهم در تعیین سطح توسعه یافتگی کشورها به شمار می آید و عقیده بر آن است که به موازات و با پیشرفت توسعه اقتصادی از تعداد شاغلین در بخش کشاورزی کاسته و بر شاغلین بخش صنعت افزوده خواهد گشت^{۱۱}. بطوری که امروزه تعداد شاغلین در بخش کشاورزی در کشورهای انگلستان، ایالات متحده امریکا، سوئد و ژاپن به ترتیب ۱، ۷، ۳، ۵ و ۹ درصد می باشد. این رقم برای اتحاد شوروی سابق ۱۹ درصد است^{۱۲}. اما چنان که می دانیم حدود ۹۰ درصد از صنایع و کارخانجات مربوطه در قسمت اروپایی این کشور قرار دارد و جمهوریهای آسیای مرکزی و منطقه قفقاز صرفنظر از صنعت نفت آذربایجان عمده مناطق کشاورزی هستند.

با توجه به نسبتهای بالا نیروهای شاغل در این جمهوریها و از آن جمله جمهوریهای عضو سازمان اکو در بخش کشاورزی اشتغال دارند ولی متأسفانه آمار دقیق آنها در دسترس نمی باشد.

در دو کشور از کشورهای پرجمعیت سازمان اکو یعنی کشورهای ترکیه و پاکستان هنوز بیش از ۵۰ درصد از نیروی شاغل در بخش کشاورزی مشغولند، ترکیه با ۵۶ درصد شاغلین در کشاورزی و پاکستان با ۵۳ درصد دارای بالاترین درصدها هستند در حالی که این رقم در ایران حدود ۳۳ درصد می باشد.

البته تأثیر درآمدهای حاصل از بخش صنعت نفت در ایران موجب گشته است که ساختار اقتصادی جمعیت در کشور ما نسبت به دو کشور همسایه و عضو سازمان اکو نه تنها در بخش کشاورزی متفاوت باشد بلکه نیروی شاغل در بخش صنعت نیز در کشور ما با نسبت ۲۱ درصد، از نسبتهای ۱۴ درصد شاغلین صنعت در ترکیه و یا ۱۳ درصد در پاکستان کاملاً بیشتر است. بدیهی است تحولات نسبت نیروی کار در بخش کشاورزی در طی ۳۰ ساله گذشته برای کشور ما بسیار قابل توجه است در حالی که این نسبتها برای ترکیه در طی ۲۰ ساله ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ بسیار تغییر کرده است ولی در دهه بعد ثابت مانده است، جدول شماره (۱).

جدول شماره (۱) - نیروی کار در بخش کشاورزی (%)*

کشور	سال	۱۹۶۰	۱۹۸۰	۱۹۸۹
ایران		۵۴	۳۹	۳۳
ترکیه		۷۵	۵۵	۵۵

البته باید دانست که گرچه از نیروی کار در بخش کشاورزی کاسته شده است اما ارزش افزوده سرانه در کشاورزی به علت سرمایه گذاریهای زیاد دولتها در این بخش بالا رفته است به طوری که در ایران این ارزش افزوده به قیمتهای ثابت در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ از ۱۸۹ دلار به ۵۸۲ دلار رسیده است. ارقام مشابه برای ترکیه نیز به ترتیب ۳۰۰ و ۸۸۶ دلار در فاصله بیست ساله مزبور گزارش شده است.^{۱۳}

تحلیل چند عامل مهم در مسائل توسعه اقتصادی اکو:

اصولاً مهمترین متغیر تعیین کننده وضع اقتصادی کشورها تولید ناخالص ملی آنها می باشد. در این تحلیل نیز با استفاده از این قانون و روش علمی تا آن جا که آمار در دسترس بوده است به بحث می پردازیم و در مورد آن دسته از کشورهای عضو سازمان اکو، بخصوص جمهوریهای تازه استقلال یافته شوروی سابق، که هم اکنون در آستانه گذر از اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد بازار سرمایه داری هستند و هنوز به

* مآخذ:

1 - McLachlan, K, "The Agricultural Development of the Middle East, An overview", In the Middle East, Chapter2, 1985, PP.27-50.

2 - Hoffman, M.S, "The World Almanac And Book of Facts 1991", Pharos Books, 1990, PP. 719 and 759.

هیچ وجه نظام مالکیت و مدیریت منابع تولید، وضعیت صادرات، مصرف و روابط اقتصادپیشان با اقتصاد برنامه - دستوری شوروی سابق و نیز روسیه دارای صراحت و وضوح کافی نیست از این رو در این مقال به بررسی برخی از عواملی می پردازیم که کمابیش آمار آنها در دسترس بوده و تا حدی می تواند توان اقتصادی این جمهوریه را بازگو کند. در هر جا هم که لازم باشد آمارهایی از اتحاد جماهیر شوروی سابق و نیز چند کشور پیشرفته سرمایه داری مطرح می گردد تا وضعیت نسبی سازمان اکو در اقتصاد جهانی تا حدی روش شود. در عین حال پیوسته باید به خاطر داشته باشیم که ایران یک کشور از مجموع ۶ کشور اکو می باشد که بیش از ۸۰ سال به استخراج نفت مشغول است که از سالهای دهه ۱۹۵۰ تاکنون و بویژه طی ۳۰ سال گذشته نقش فوق العاده اساسی در درآمدهای ملی داشته است^{۱۴} که بحث پیرامون آن، موضوع این مقاله نمی باشد.

جدول شماره (۲) تولید ناخالص ملی را برای سه کشور پرجمعیت سازمان اکو در سال ۱۹۸۸ نشان می دهد. کشور ما با ۹۳ میلیارد دلار بیشترین تولید ناخالص ملی را داشته است در حالی که کشور پاکستان که پرجمعیت ترین کشور سازمان اکو می باشد دارای کمترین تولید ناخالص ملی در مقایسه با ایران و ترکیه است. تولید ناخالص ملی ترکیه نیز $\frac{۲}{۳}$ ایران برآورد می شود.

هر گاه درآمد سرانه را نیز بررسی کنیم، می بینیم که ارقام مربوط به پاکستان و ترکیه به ترتیب ۴/۶۳ و ۱/۴۳ برابر کمتر از ایران می باشد در حالی که ترکیه با تولید ۸۲۹/۴ کیلووات ساعت برق سرانه نسبت به ایران در وضعیت نسبتاً بهتری از دیدگاه توسعه صنعتی و رفاه اجتماعی قرار دارد.

به منظور آشنایی با وضعیت نسبی این سه کشور عضو اکو، به آمارهای مشابه برای کشورهای شوروی سابق، انگلستان، سوئد، ژاپن و ایالات متحده مندرج در جدول شماره (۳) توجه می کنیم، ملاحظه می شود که تولید ناخالص شوروی در ۱۹۸۸ در عین این که بیش از ۵ برابر تولید ناخالص ملی هر سه کشور ایران و پاکستان و ترکیه است، ولی تولید ناخالص خود این کشور نصف ایالات متحده می باشد و

سراانه تولید ناخالص ملی هم برای هر نفر بیش از ۱۰۰۰۰ دلار کمتر از ایالات متحده، حدود نصف رقم مربوط به ژاپن و کمی کمتر از $\frac{۲}{۳}$ تولید ناخالص سراانه سرود محاسبه گردیده است، ارقام مربوط به درآمد سراانه شوروی سابق نیز در عین آن که حدود ۹ برابر پاکستان برده ولی نسبت به همه کشورهای پیشرفته پایین تر می باشد. تولید سراانه برق شوروی سابق کمی بیش از ژاپن ولی کمتر از چهار کشور دیگر است. البته لازم به ذکر است که در سال ۱۹۸۸ شوروی با ۳۶۲ ژاپن با ۹۸/۵ و ایالات متحده با تولید ۹۰/۷ میلیون تن مقامهای اول تا سوم را داشته اند. باید دانست که معمولاً از حجم تولید فولاد به عنوان شاخصی از توسعه اقتصادی نام برده می شود. با توجه به این معیار، ترکیه از بین سه کشور پرجمعیت عضو اکو با تولید ۸ میلیون تن فولاد در سال وضعیت بهتری دارد ولی چنان که قبلاً نیز اشاره گردید تولید ناخالصی سراانه آن نسبت به کشور ما به مقدار قابل توجهی کمتر است (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳ - تولید ناخالص ملی، درآمد سراانه و تولید سراانه برق در سه کشور پرجمعیت سازمان اکو در ۱۹۸۸ * (تولید ناخالصی سرانه)

نام کشور	تولید ناخالص ملی (میلیارده دلار)	درآمد سراانه (دلار)	تولید سراانه برق (کیلووات ساعت)
جمهوری اسلامی ایران	۹۳	۱۶۶۷	۷۷۷/۷
جمهوری ترکیه	۶۲	۱۱۶۰	۸۲۹/۲
جمهوری اسلامی پاکستان	۳۹	۳۶۰	۲۵۶

* ماخذ:

Hoffman, M.S., (Edi), "The World Almanac And Book of Facts 1991", Pharos

Books, New York, 1990, PP. 719, 739, 759.

جدول شماره ۳- تولید ناخالص ملی سرانه، درآمد سرانه و تولید سرانه برق

در چند کشور پیشرفته ۱۹۸۸ *

کشور	تولید ناخالص ملی (میلیارد دلار)	تولید ناخالص سرانه (دلار)	درآمد سرانه (دلار)	تولید سرانه برق (کیلووات ساعت)
ایالات متحده آمریکا	۴۸۰۰	۱۸۱۸۲	۱۶۴۴۴	۱۱۵۸۲
ژاپن	۱۹۰۰	۱۵۴۱۸	۱۰۲۶۶	۵۶۲۳
سوئد	۱۰۹	۱۳۰۲۱	۱۱۹۸۹	۲۱۶۴۸
انگلستان	۵۰۴	۸۸۹۷	۷۲۱۶	۶۰۲۲
شوروی سابق	۲۳۰۰	۸۰۱۳	۳۰۰۰	۵/۹۴۶

با توجه به این حقیقت که تولید ناخالص ملی، جامعترین معیار تعیین فعالیت اقتصادی یک کشور است و نیز با در نظر گرفتن تحلیلهای مربوط به کشورمان که در مقایسه با دو کشور دیگر اگر یعنی ترکیه و پاکستان بعمل آوردیم معلوم می گردد که کشور ما از لحاظ اقتصادی قدرتمندترین کشور این سازمان است بویژه آن که حجم ذخائر شناخته شده نفت و گاز ایران با حجم ۹۶ میلیارد بشکه حدود ۸۲۸ برابر نفت پاکستان و ۶۹۰ برابر ذخائر نفت ترکیه است^{۱۵}. از لحاظ ذخائر گاز طبیعی نیز جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از ۱۷ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی (۱۴/۳ درصد ذخائر جهان) مقام دوم را پس از شوروی سابق در جهان به خود اختصاص داده است^{۱۶}.

برای ارزیابی قدرت اقتصادی جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و آذربایجان که اعضای آکرمی باشند متأسفانه هنوز اطلاعاتی سیستماتیک، مستند و مدون در زمینه

* ماخذ:

Hoffman, M.S, (Edi), "The World Almanac And Book of Facts 1991", Pharos

Books, New York, 1990, PP. 723, 754, 760, 762 and 765.

شاخصهای اساسی، نظیر تولید ناخالص ملی در دست نیست ولی می توان با استمداد از کتب و مقالاتی که در یکی دو ساله اخیر نوشته شده و نیز با توجه به بحثهایی که اندیشمندان این جمهوریها به تازگی در مجامع علمی ما ارائه داده اند تحلیل فشرده ای به انجام رساند.

در آغاز دهه پایانی سده بیستم نظام سیاسی - اداری شوروی سابق، این کشور را به ۱۹ ناحیه بزرگ اقتصادی تقسیم نمود (نقشه الف و ب) که می توان آنها را بر اساس موقعیت هر ناحیه، درجه توسعه هر یک و نیز سهم آنها در اقتصاد اتحاد شوروی سابق در سه ناحیه خلاصه کرد. ناحیه اول هسته تشکل یافته ای است که مرکز، اوکراین و چند ناحیه مجاور آن را در بر می گیرد. ناحیه دوم بخشهای فرعی توسعه یافته جدیدی است که از ولگا تا دریاچه بایکال را می پوشاند. بقیه قسمتها که شامل شرق دور، مناطق منجمد و جنب قطبی شمال، ماورای قفقاز، آسیای مرکزی و جمهوریهای بیلوروسی و بالتیک می باشد، نواحی نسبتاً حاشیه ای یا پریفرال را تشکیل می دهند. بنابراین سه جمهوری عضو آکو که مورد بحث این مقاله است در همین ناحیه حاشیه ای یعنی آذربایجان در قفقاز و ترکمنستان و ازبکستان در آسیای مرکزی قرار دارند.

ماورای قفقاز سه جمهوری گرجستان، ارمنستان و آذربایجان را در بر می گیرد که در جنوب رشته اصلی کوههای قفقاز واقع شده است. آذربایجان گندم پر بازدهی به صورت کشت زمستانه دارد و عملکرد محصولات باغی آن نیز قابل توجه است. پنبه هم به صورت کشت آبی در سرزمینهای پست و خشک آن به دست می آید که برای مصرف در کارخانجات نساجی به منطقه صنعتی مسکو ارسال می شده است.

بطور کلی گندم، جو، ذرت و سیب زمینی برای مصرف داخلی و محصولات با ارزشی چون پنبه، ابریشم، چای، توتون، شراب، میوه جات و سبزیجات برای ماورای قفقاز و در سطح ملی ارسال می شده ولی به لحاظ کمبود مواد غذایی اساسی نظیر حبوبات، روغن و گوشت در سالهای اخیر ناچار به وارد کردن آنها بوده اند^{۱۷}.

آذربایجان دارای ثروتهای طبیعی از قبیل سنگ آهن، کبالت و منابع نفت

همراه با گاز طبیعی است که بیشتر در باکو قرار دارد. نفت باکو از قرن نوزدهم تا جنگ جهانی دوم مشارکت عمده ای در اقتصاد ملی داشته و تا زمان توسعه منابع نفت و گاز ولگا - اورال این ذخایر همراه با نفت قفقاز $\frac{۳}{۴}$ تمام نفت شوروی را تهیه می کرده است. کاهش تولید علی رغم توسعه ذخایر دریای خزر، از دهه ۱۹۶۰ شروع شده است و در حال حاضر باکو به عنوان یک تولیدکننده کوچک در نظر گرفته می شود که قسمت اعظم تولیدش در خود آذربایجان به مصرف می رسد. اکنون بسیاری از تأسیسات نفت دریا یعنی حدود ۷۵ درصد آنها پرسیده شده است. بنابراین تجهیزات فنی نارسا و ناقص، هزینه سنگین برای ایجاد تأسیسات، همراه با بدیهیهای قبلی، آلودگی شدید نفتی سواحل و دریای خزر و حل مسائل کارگری از مهمترین مسائل توسعه آینده است که به وسیله پروفسور ج. ن. اسماعیل اف، عضو هیأت علمی دانشگاه دولتی باکو به آنها اشاره شده است^{۱۸}. همچنین آقای محمدسعید حسینی از سازمان حفاظت محیط زیست در اولین سمینار علوم دریایی و جوی (۲۷-۲۵ فروردین ۱۳۷۱، دانشگاه تربیت مدرس) به نقل از گزارش آقای منصور اف رئیس کمیته ایالتی دریای خزر در جمهوری آذربایجان چنین تحلیل می کند که «سالانه ۰٫۶۵ میلیارد متر مکعب آب از منطقه باکو وارد دریا می شود که تنها ۳۰۰ میلیون متر مکعب آن تصفیه شده و بقیه مستقیماً به دریا سرازیر می گردد که با خود بیش از ۳۰۰ تن مواد نفتی، ۲۸۰ تن مواد معلق و بیش از یک میلیون تن سایر مواد زیان آور و سمی وارد محیط می کند. جمهوری روسیه عمده از طریق ولگا، قزاقستان با استخراج نفت و جمهوری ترکمنستان نیز به سهم خود آلاینده های مختلف را به دریا وارد می نمایند^{۱۹}.

با توجه به رابطه تجاری دیرینه آذربایجان و شوروی و همچنین خرید ارزان نفت آذربایجان توسط شوروی در حال حاضر آذربایجان فاقد ذخایر مالی است که بتواند منابع خود را توسعه دهد، تأسیسات پتروشیمی این صنعت را بازسازی و به اکتشاف و بهره برداری از میدانهای عمیق واقع در دریای خزر که همشایب حتی به ۵۰۰۰ متر نیز می رسند بپردازد. علی رغم این که کشور آذربایجان یک جمهوری صنعتی بوده و آهن، آلومینیم، فولاد، مس، کوره شیمیایی، لاستیک، وسایل برقی،

تجهیزات و وسایل صنعت نفت و مواد شیمیایی تولید می‌کند ولی به لحاظ آن که قسمت عمده‌ای از صنایع شیمیایی و مهندسی دارای پیوند نزدیکی با نفت و گاز می‌باشد و این کشور از قبیل دارای مشکلات بیشماری در این زمینه بوده است هم اکنون بیش از هر زمان دیگری به همکاری اقتصادی با ما نیازمند است. مشکل مهم دیگر درگیری بین مسلمانان آذربایجان و اقلیت مسیحیان ارمنی است که از ۱۹۸۸ شروع شده و امروز هم به جنگهایی بر سر مسأله قره‌باغ تبدیل گشته است و این خود تران آذربایجان را در این مرحله از آغاز استقلال به تحلیل می‌برد. احتمالاً میانجیگری اخیر ایران و مذاکرات صلح بین ارمنستان و آذربایجان در تهران (۱۶ تا ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۱) و همزمان، انجام دومین دور مذاکرات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با ارمنستان و موافقت با صدور گاز ایران به ارمنستان می‌تواند تلاشهایی در جهت فراهم آوردن زمینه برای تحقق اهداف اکو به شمار رود.^{۲۰}

جمهوریهای ترکمنستان و ازبکستان قسمتی از سرزمین وسیع ترکستان می‌باشند، ترکستان دارای مساحتی به میزان ۲/۶۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع و به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می‌شده است. پس از سالهای نیمه دوم دهه ۱۹۲۰ قسمت غربی آن به نام آسیای مرکزی شوروی نامیده شده و جمهوریهای ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان و نیز قسمت جنوبی قزاقستان را در بر می‌گرفته است ولی از لحاظ سیاسی و اداری قزاقستان خود یک جمهوری بزرگ جداگانه بوده است. بنابراین آسیای مرکزی شوروی سابق همان دشت خزر- توران (حوضه خزر- آرال بالخاش) می‌باشد، که ناحیه بیابانی وسیعی با فلاتهای کم ارتفاع، تپه‌های فرسایش یافته، تل ماسه‌های فراگیر را در بر می‌گیرد.^{۲۱}

دو رودخانه اصلی این منطقه، سیر دریا و آمودریا (سیحون و جیحون) به دریاچه آرال زهکش می‌شوند، مرز کوهستانی که دشت روسیه، آسیای مرکزی شوروی سابق و دشت سیریری غربی را از سمت جنوب و شرق در بر می‌گیرد شامل مجموعه‌ای از ارتفاعات چین خورده آلپی و فلاتهای پیوسته است. کوهستان بزرگ قفقاز در غرب چاله خزر با قلی که ارتفاعشان به ۵۶۴۰ متر می‌رسد (بدون هیچ گونه گذرگاه و معبر

کم ارتفاع) مانعی قطعی برای عبور است که تنها در چند نقطه و به سختی می توان از آن عبور کرد. ارتفاع کوههای کپه داغ در شرق دریای خزر، در قلمرو شوروی سابق به ۸۰۰ متر می رسد اما قسمت اعظم ارتفاعات آن در ایران قرار دارد.

ترکمستان که در جنوب غربی آسیای مرکزی شوروی سابق واقع شده عمده از دشتهای بیابانی و فلاتهای پستی تشکیل شده که در جنوب به رشته کوهستانی کپه داغ ختم می شود. فلات اوست اورت که در شمال آن قرار دارد سرزمینی هموار و نیمه خشک است که دارای گودالهای شنی و در جنوب به بیابان قره قوم (شنهای سیاه) ختم می شود. این بیابان پست ۸۰ درصد ترکمنستان را می پوشاند. بخشهای وسیعی از این بیابان از شنهایی پوشیده شده که از آبرفت رودخانه های قدیم و جدید به وجود آمده است. بیابان قره قوم به سمت جنوب به دشتهای آلسی پایکوهی به ارتفاع ۹۰ تا ۱۲۰ متر از سطح دریا ختم می شود.

در امتداد پایکوهها، بادبزنهای آبرفتی به وسیله جریانهای بیشماری که از کوههای جنوب سرچشمه می گیرند به وجود آمده اند. این جریانها سریعاً در دشتهای ناپدید می شوند. دو رودخانه فصلی تجن (هریرود) و مرغاب تا مسافتی راه خود را به داخل بیابان ادامه می دهند. اقلیم منطقه از نوع اقلیم بیابانی قاره ای است و بارش در سرزمینهای پست بین ۱۰ تا ۲۰۰ میلیمتر و در دامنه های کوهستانی تا ۴۰۰ میلیمتر در نوسان است. حداکثر بارش منطقه در فصل بهار می باشد. صرف نظر از نمکهای خلیج قره بغاز، مواد معدنی این جمهوری در جنوب قرار دارد. ذخایر نفت در ناحیه نبت داغ، ویشکا و شبه جزیره چلکن و تصفیه خانه ها در کراسنودسک واقع شده است. همچنین ذخایر عظیم گاز طبیعی در قسمتهای جنوب این کشور و بین دره رودخانه های مرغاب و تجن که در دهه ۱۹۵۰ کشف گردید، قرار دارد. گاز از طریق روسیه به قسمت اروپایی روسیه و ترکستان غربی ارسال می شود و نفت از طریق دریای خزر به قسمتهای اروپایی برده می شود. از کانیهای دیگر می توان از ذغال سنگ، سولفور، آهک و ژپس نام برد.

جمهوری ازبکستان از دامنه های غربی کوههای تیان شان که دره تکتونیک

فرغانه (۳۳۰ × ۱۱۵ کیلومتر) را محصور کرده و نیز از افغانستان در امتداد رودخانه آمودریا تا سواحل جنوبی و غربی دریاچه آرال را در بر می گیرد. بیابانهای قزل قوم (ماسه های قرمز) قسمتهای عمده ای از خاک این جمهوری را در سرزمینهای واقع بین رودخانه های سیردریا و آمودریا تشکیل می دهد.

بیابان مزبور به طول ۴۵۰ کیلومتر از دریاچه آرال تا پایکوههای جنوبی امتداد می یابد کمربندی از دشتهای خشک لسی با تعدادی از بادبزنهای آبرفتی در جنوب به پایکوهها ختم می شوند. بادبزنهای آبرفتی با پوششی از لس پوشیده شده است و دشتهای سیلابی سیردریا، با ارتفاع ۴۵۰ متری از سطح دریا قرار دارد. اقلیم منطقه در همه جا قاره ای با زمستانهای سرد و تابستانهای گرم می باشد. بارش در سرزمینهای پست، ۷۵ تا ۱۰۰ میلیمتر است که عمده در بهار و در دلتای آمودریا می بارد و در کوهستانها ممکن است به ۶۱۰ میلیمتر برسد که غالباً هم در تابستان نازل می شود.

جمهوری مسلمان ازبکستان که ۳۵٪ آسیای مرکزی شوروی سابق را تشکیل می دهد بیش از ۶۹ درصد از پنبه، $\frac{۱}{۳}$ نوغان و $\frac{۱}{۳}$ پشم، پوست و روده گوسفند قره گل را تولید می کند، پنبه در دره فرغانه و نیز در تاشکند پایتخت ازبکستان، سمرقند و بخارا به دست می آید. سایر محصولات صنعتی، کتان، کنف، توتون، کنجد، خیزران و نیشکر می باشد. گندم، جو و ذرت به صورت دیم در سمرقند، سرخان دریا و تاشکند بعمل می آید. این کشور بونج، انگور و سایر میوه جات را نیز تولید می کند.

در حال حاضر ذخایر اصلی تشکیل دهنده قسمت اعظم منابع اقتصادی ازبکستان ۱۲۵ میلیارد روبل تخمین زده می شود (در ۱۹۹۰ روبل برابر با ۱٫۶۱ دلار بوده است) که ۶۷ درصد آن به فعالیتهای تولیدی اختصاص دارد.^{۲۲}

ازبکستان دارای منابع نفت، گاز و ذغالسنگ می باشد. صنایع ماشین سازی و فلزی سبک عمده در رابطه با کشت و تولید منسوجات پنبه ای، ابریشمی و پشمی، روغن نباتی، پنبه دانه تهیه شراب و بسته بندی میوه و محصولات غذایی بوده است.

سایر صنایع عبارت از کارخانجات تهیه موتور دیزل و مواد شیمیایی می باشد. صنایع شیلات به هنگامی که دریاچه آرال رو به خشکی نرفته بود در سواحل آن رونق داشت و قلابدوزی و قالیبافی نیز از صنایع رایج دستی این کشور می باشد.

در این جمهوری هم نظیر آذربایجان، فرسوردگی فیزیکی صنایع یکن از مشکلات اساسی است بطوری که حدود ۴۰ درصد از صنایع دچار این معزک اند و در بعضی از رشته های فنی به جای ۳ تا ۴ سال، از امکانات موجود ۲۰ تا ۳۰ سال بهره برداری شده است.^{۲۳}

تورم بعد دیگری از مسائل توسعه در جمهوریهای معاصر آسیای مرکزی است که به مسائل فوق افزوده می گردد. اکنون اگر چه آمار رسمی در این زمینه در دسترس نیست اما برخی از گزارشات گروههای تحقیقاتی اعزامی به این سرزمینها از سوی دانشگاههای کشور مبئی بز آن است که مثلاً قیمت گوشت که قبل از فروپاشی نظام سوسیالیسم در این کشورها هر کیلو ۱٫۵ روپل بوده، امروز در بازار آزاد به قیمت ۶۰ روپل برای گوشت گاو و گوشت اسب، ۸۰ روپل برای گوشت گوسفند و ۱۰۰ روپل برای گوشت خوک می باشد. در عین حال گوشت کیلویی ۶۰ روپل در بازار آزاد، در فروشگاههای دولتی هر کیلو به قیمت ۳۵ تا ۴۵ روپل به فروش می رسد.^{۲۴} همچنین ارزش برابری روپل با دلار امریکا شاخص دیگری دال بر وضعیت نابسامان اقتصادی و پولی این کشورها است. در حالی که ارزش برابری روپل با دلار کمتر از دو سال پیش به قرار یک روپل در برابر ۱٫۶۱ دلار بوده، اکنون در سمرقند و بخارا که هر دو از شهرهای مهم ازبکستان و با جمعیتهایی به ترتیب حدود ۶۰۰ هزار و ۵۰۰ هزار نفر می باشند هر روپل به ترتیب برابر $\frac{1}{155}$ و $\frac{1}{135}$ دلار می باشد. در عشق آباد پایتخت ترکمنستان با ۴۵۰ هزار نفر جمعیت هر دلار با ۱۰۰ روپل مبادله می شود.^{۲۵} البته ذکر این نکته ضرورت دارد که بدانیم یکی از دلایل مهم فروپاشی کمونیسم در شوروی

* همین گوشت در بازار دولتی مسکو به قیمت هر کیلو ۹۰ تا ۱۱۰ روپل به فروش می رسد.

سابق همین ضعف اقتصادی بوده است. مثلاً قدرت خرید نفت خام شوروی در رابطه با واردات کالاهای از بازارهای غربی مرتباً کاهش می یافته بطوری که این کشور می بایستی در ۱۹۸۸ سه برابر ۱۹۸۵ نفت می فروخت تا بتواند به همان اندازه از کالاهای کشورهای پیشرفته اروپای غربی نیازهای خود را وارد کند. در سایر زمینه های اقتصادی نیز وضع مشابهی وجود داشته است.^{۲۶}

یک پرسش اساسی دیگر در فرآیند توسعه آینده این کشورهای عضو اکوآن است که آیا این سرزمینها همچنان به عنوان تولید کنندگان بزرگ کالاهای کشاورزی و دامی و بخصوص محصول بسیار ارزشمند پنبه که قسمت مهمی از محصولات آنها را هم تشکیل می دهد، می توانند به گونه ای پویا، به حیات خود ادامه دهند؟ بدیهی است که پاسخ به این پرسش، حداقل در شرایط فعلی که زمان غیر دولتی کردن داراییها است بسیار مشکل می باشد، چرا که هنوز روش صحیحی برای ارزیابی و تعیین قیمتهای بازاری این داراییها و امکانات وجود ندارد و هیچ گونه الگو و مدل مشخص و روشن و یا ارگان معینی برای انتقال از نظام تولید کلخوزی و سوخوزی به نظام دیگری در مدیریت و مالکیت آب و زمین و سایر عوامل تولید وجود ندارد. جذب سرمایه داران خارجی هم نیازمند قوانین و اقدامات مربوط به خود می باشد. آنچه که در راستای توسعه آینده اقتصاد کشاورزی این جمهوریها دارای وضوح نسبی است وضعیت آبها و زمینهای زراعی امروز است به گونه ای که اثرات بهره برداری گسترده از منابع آب در رودخانه سیردریا و آمودریا به وسیله تعدادی از سدها و کانالهای متعدد و بزرگ برای آبیاری استپها و بیابانهای قره قوم و قزل قوم به منظور دستیابی به «طلای سفید» پنبه، به قیمت نابودی دریاچه آرال و غلبه شرایط بیابان زدگی در وضعیتی حاد می باشد.

آمودریا با مساحت حوضه آبریز ۳۰۹۰۰۰ کیلومتر مربع و طول ۱۲۱۵ کیلومتر دارای جریان متوسطی به میزان ۱۵۰۰ متر مکعب در ثانیه و سیردریا هم با مساحت ۲۱۹۰۰۰ کیلومتر مربع و طول ۲۲۱۲ کیلومتر با جریان متوسط ۱۲۰۰ متر مکعب در ثانیه می باشد که منشاء هر دو ذوب برفها و یخچالهای کوهستانهای مرتفع هندوکش، تیان شان و قلات پامیر است.

مهندسان هیدرولیک شوروی از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۸۵ به ساختن برخی از بزرگترین پروژه های آبیاری جهان بر روی این رودخانه ها دست زده و از طریق ساختن تعدادی از سدهای مخزنی بزرگ چند منظوره و بعضی از کانالهای بسیار بزرگ آبیاری نظیر کانالهای آبیاری فرغانه در سیردریا و کانال ۱۱۰۰ کیلومتری قره قوم که ۱۰ میلیارد تن آب را از آمردریا و از میان دشتهای واقع در استپهای بین رودخانه های فصلی مرغاب و تجن به سوی غرب و کناره شرقی دریای خزر می برد همراه با طرحهای متعدد آبیاری کوچکتر دیگر، زمینهای آبیاری را که قبل از ۱۹۱۷ فقط ۳۰۰۰۰۰۰۰ هکتار بود در دهه ۱۹۸۰ به ۱۵۰۰۰۰۰۰ هکتار رساندند (نقشه ۲) و زارعین با سعی روزافزون برای تولید پنبه هر چه بیشتر، مزارع را بدون داشتن زهکش مناسب و کافی غرق آب کردند. بسیاری از کانالها و جویها بدون پوشش بتونی بود و بنابراین نفوذ زیاد آب به داخل زمین، تحت شرایط تشدید شده بیابانی منطقه و تبخیر شدید در معرض شور شدن و باتلاقی شدن قرار گرفت. نتیجه طرحهای آبیاری این شد که آمودریا از ۱۹۷۴ و سیردریا از ۱۹۸۲ به بعد دیگر در قسمت سفلی خود آبی به دریاچه آرال نرساندند. البته بارشهای استثنایی گاهی به رودخانه ها حیات می بخشند ولی در شرایط عادی جریان آب رودخانه ها به دریاچه آرال بند آورده شده است. نتیجه این که اطلاعات ارائه شده در اطلسهایی که در ۱۹۶۰ این دریاچه را با وسعت ۶۳۰۰۰ کیلومتر مربع (معادل وسعت ایرلند) به عنوان چهارمین دریاچه جهان معرفی می کرد دیگر به هنگام نیست زیرا تصاویر ماهواره ای دهه ۱۹۷۰ و آغاز دهه ۱۹۹۰ نشان می دهد که این دریاچه $\frac{2}{3}$ آبها و ۴۰ درصد مساحت خود را ازدست داده است^{۲۷}. قنار رودخانه های آمودریا و سیردریا هر سال ۵۵ میلیارد تن آب را به دریاچه می آوردند و همین مقدار هم تبخیر می شد و اقلیم سخت بیابان را تعدیل می کرد ولی امروز ایستگاه رپتک* که بر سر راه سمرقند و بخارا به سوی غرب بر روی جاده قدیم ابریشم واقع شده و جغرافیدانان عصر تزاری آن را تأسیس کرده اند و امروز به عنوان مرکزی برای تحقیقات بیابانی از

شهرت جهانی برخوردار است، درجات حرارتی را ثبت می کند که در تابستان به ۵۰ درجه سانتیگراد و در زمستان به منهای ۳۰ درجه می رسد. برنامه ریزان طرحهای آبیاری نه تنها به هنگام برنامه ریزی، بادهای شدید، طوفانهای شن و تپه های شنی متحرک را در نظر نگرفتند بلکه امروز، خود موجب پیدایش تپه های نمکی و طوفانهای از نمک شده اند که از حاشیه آرال در پهنه بیابانها، واحه ها و مزارع پنبه آبیاری شده می وزد و حتی نمک آرال تا ۷۰۰ کیلومتر دورتر، در جنوب، بر روی کوههایی برده می شود که سرچشمه آمودریا و سیردریا می باشد. بنابراین نمک آرال نه تنها بر مشکلات مزارع افزوده است بلکه فضای حیاتی حیوانات و ۳۵ میلیون ساکنان آسیای مرکزی را مورد تهدید قرار داده است.

ساکنان سواحل جنوبی دریاچه آرال در یک قرن پیش از زیستی محدود ولی پویا برخوردار بودند. آنان در دلتای آمودریا به پرورش صیغی، برنج، پنبه و نوغان می پرداختند، گاو و گوسفند خود را در حاشیه بیابان می چرانند و از دریا ماهی صید می کردند. اکنون ساحل بیش از ۲۰ کیلومتر با دریا فاصله دارد و هر قطره آبی که احتمالاً از رودخانه به دریا برسد شور و با مواد سمی دفع حشرات و سایر مواد شیمیایی آلوده کننده همراه است. حیات ماهی در دریا تا جایی تقلیل یافته که مقامات شوروی سابق از راه خشکی از بنادر اقیانوس کبیر و اقیانوس منجمد شمالی در طول هزاران کیلومتر برای کارخانه ای که به منظور صنایع شیلات خود در دریاچه آرال ساخته شده، ماهی می فرستادند که البته این اقدام به هیچ وجه با منطق جغرافیا همخوانی ندارد.

بر اساس پیش بینی مهندسان آب شوروی، تثبیت سطح آب آرال در وضعیت ۱۹۹۰ نیازمند تهیه سریع ۳۵ میلیارد متر مکعب آب در سال بوده است که می بایستی ۲۱ میلیارد متر مکعب آن تا سال ۲۰۰۰ به وسیله طرحی که میلیاردها روبل خرج برمی دارد تأمین شود. کار این طرح به صورت جلوگیری از تلفات آب از طریق نشت در جویهای آبیاری و جمع آوری پس آب از مزارع مطرح شده است. در چنین شرایطی یک پرسش بسیار دارای اهمیت آن است که آیا روسها این هزینه را می پردازند تا وضعیت نامطلوب حوضه رودخانه سیردریا و آمودریا و دریاچه آرال را که خود مسبب آن بوده اند برای مردم

مسلمان تازه به استقلال رسیده این سرزمینها بهبود بخشند. بدیهی است که با توجه به وضعیت اقتصادی روسیه معاصر^{۲۸}، پاسخ قطعاً مثبت نخواهد بود.

نتیجه:

در این مقاله با مطرح نمودن تعدادی از مسائلی توسعه در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی، اگر، سیمایی اجمالی با مفاهیمی گسترده، و در چند نکته مهم، مشکلات توسعه آینده مسلمانانی مطرح گردید که علی جمعیّت جهان اسلام را تشکیل می دهند و با تشکل در این سازمان می خواهند به تعبیر آقای رجائی خراسانی «بید واحد» باشند^{۲۹} و با استمداد از این وحدت وضع نابسامان اقتصادی خود را در این سالهای بحران اقتصادی دهه پایانی قرن بیستم و در شرایط حساس بین المللی و منطقه ای سر و سامان بخشند^{۳۰}. گرچه توسل به اصول توحید که همه مرزها و موانع نژادی، فرهنگی و رنگ را سرود می داند، محور اصلی احساس وحدت است^{۳۱}، اما استفاده از دیگر نیروهای ملموس وحدت آفرین می تواند اکو را در تحقق اهداف اقتصادیش یاری رساند. توجه به میراثهای غنی اجتماعی و فرهنگی، تقارب جغرافیایی، سوابق و تجارب تاریخی، تشابه سنیها، احترام متقابل به حقوق ملتها آزادی تردد بین کشورها و توسعه ارتباطات میزهای است که پیوند اقتصادی بین این کشورها را استحکام می بخشد و کشور ما نیز که در موضع حلقه اتصال جغرافیایی در اکثر از موقعیت معتازی برخوردار است تاکنون با حرکت در همین راستا، خاستگاه جغرافیایی پیوندی گشته است که زمینه ساز رشد آینده خواهد بود و در نهایت با توجه به تعبیر اخیر برخی از اندیشمندان، که خلیج فارس را به عنوان بخش مرکزی جهان اسلام^{۳۲} و به بیانی دیگر هارتلند قرن بیستم و یکم شناسایی کرده اند و نیز با عنایت به پیچیدگی و تعدد مشکلات توسعه، تلاشهای کشور ما و سیاستهایی که هم اکنون و در سالهای آینده در اکو در پیش می گیرد از اهمیت کانونی برخوردار است^{۳۳}.

منابع و مأخذ

- Times Books, 1976, PP.56,72 and 73.
- ۲ - غازی، ا، «تحلیلی از مسائل توسعه در کشورهای مسلمان خاورمیانه و شمال آفریقا»، مقاله ارائه شده توسط نگارنده به اولین سمینار بین المللی ویژگیها و مسائل جغرافیایی جهان اسلام، ۱ تا ۳ اردیبهشت ۱۳۷۱، زیر چاپ در دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده علوم جغرافیایی.
- ۳ - غازی، ا، «نوسانات دریای خزر و وضعیت دلتای ولگا در تصاویر ماهواره‌ای»، پژوهشهای جغرافیایی، موسسه جغرافیا، دانشگاه تهران، شماره ۲۶ سال سیست و دوم، شهریور ۱۳۶۹، ص ۱۱۸-۹۲، نمودارهای ۱ تا ۹.
- 4 - Encyclopaedia Britannica, Vol 22, 1973, P.83C.
- ۵ - اطلاعات، چهارشنبه ۱۳/۱۱/۱۳۷۰، شماره ۱۹۲۹۲.
- 6 - Hoffman, M.S, (Edi), "The World Almanac And Book of Facts 1991", Pharos Books, New York, 1990, PP.740 and 759.
- ۷ - جوان، ج، «مشخصات کلی جمعیت کشورهای اسلامی با تأکید بر باروری آنها» خلاصه مقالات اولین سمینار بین المللی ویژگیها و مسائل جغرافیایی جهان اسلام، ۱ تا ۳ اردیبهشت ۱۳۷۱، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده علوم جغرافیایی، ص ۲۲.
- 8 - Encyclopaedia Britannica, Vol, 22,1973, P.830.
- 9 - Hoffman, M.S, (Edi), "The World Almanac And Book of Facts, New York, 1990, PP,723,754 and 765.
- ۱۰ - برای آگاهی بیشتر بر وضعیت دانش و تخصص در میان جمعیت کشورهای مسلمان به مقاله زیر مراجعه فرمایند:
- حنیفه، غ، «امت مسلمان، توسعه و بحران در منابع انسانی»، خلاصه مقالات اولین سمینار بین المللی ویژگیها و مسائل جغرافیایی جهان اسلام، ۱ تا ۳ اردیبهشت ۱۳۷۱، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده علوم جغرافیایی، ص ۳۱.
- ۱۱ - جیروند، ع، «توسعه اقتصادی» مولوی، ۱۳۶۶، ص ۲۳-۲۱.
- ۱۲ - برای آگاهی بیشتر بر ترکیب اقتصاد، جمعیت و مسائل آن در شوروی به مقاله زیر مراجعه فرمایند:
- غازی، ا، «تحلیلی در زمینه شرایط پیچیده پایان قرن بیستم در اتحاد جماهیر شوروی»، زیر چاپ در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه امتهان، ص ۳۳-۱.

13 - IBRD, "World Development Report 1983", Oxford University Press, Oxford, 1983.

۱۲ - الف: ذوقی، ا، «مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران» پازنگ، تهران، ۱۳۷۰ ص

۲۵-۳۶.

۱۵ - غازی، ا، «تحلیلی از وضعیت نفت و گاز در آستانه دهه پایانی قرن بیستم»، زیر

چاپ در مجله پژوهشی، دانشگاه اصفهان، ص ۱-۲۴.

۱۶ - الف - غازی، ا، «تحلیلی از نقش گاز طبیعی در کاهش بحرانهای انرژی»، زیر چاپ

در مجله دانشنامه، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه جغرافیا، تهران ص ۱-۲۹.

b-Sbs, "Energy In Profile", Sbs, No 3, London, 1991, P.10.

۱۷ - اسماعیل اف، ج، ن، «مسائل اساسی در بالا بردن استعداد کاری تأسیسات نفت در

آذربایجان» خلاصه مقالات اولین سمینار بین المللی ویژگیها و مسائل جغرافیایی جهان اسلام،

۱ تا ۳ اردیبهشت ۱۳۷۱. دانشگاه امام حسین (ع) دانشکده علوم جغرافیایی، ص ۵.

۱۸ - همان مأخذ، ص ۵.

۱۹ - حسینی، م، س، «نقش کشورهای ساحلی دریای خزر در تغییرات آب و آلودگی

محیط دریایی» خلاصه مقالات اولین سمینار علوم دریایی و جوی، دانشگاه تربیت مدرس،

۲۵-۲۷ فروردین ۱۳۷۱، ص ۳۶-۳۸.

۲۰ - اخبار صدای جمهوری اسلامی ایران، ساعت ۱۲ جمعه شب ۱۳۷۱/۲/۱۸.

21 - Encyclopaedia Britannica, Vol 21, 1973, P.40613.

۲۲ - حکمت، اوا، آ، خ، «منابع و امکانات اقتصاد ازبکستان، عامل مهم در بهسازی

روابط عمومی با جهان اسلام»، خلاصه مقالات اولین سمینار بین المللی ویژگیها و مسائل

جغرافیایی جهان اسلام، ۱ تا ۳ اردیبهشت ۱۳۷۱، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده علوم

جغرافیایی ص ۲۹-۳۰.

۲۳ - همان مأخذ، ص ۳۰.

۲۴ - کتابی، م، «گزارش سفر علمی به ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان» سخنرانی

مورخه دوشنبه ۱۳۷۱/۲/۷ در تالار اقبال دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

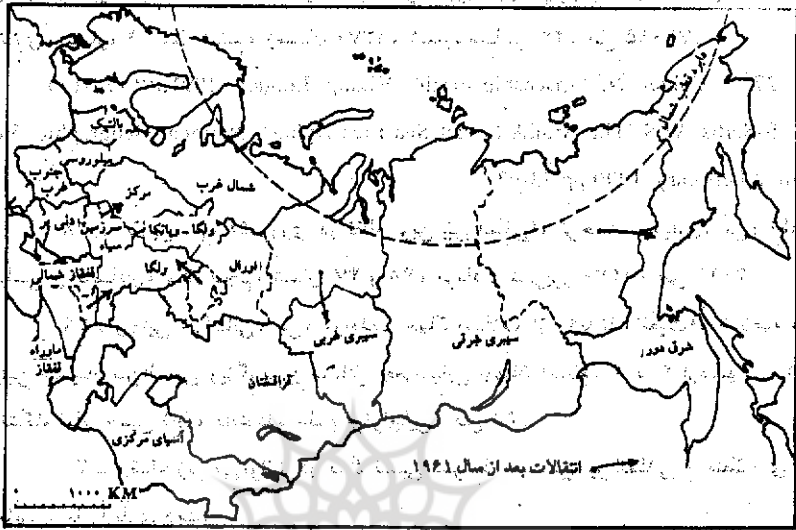
۲۵ - مصاحبه نگارنده با آقای دکتر سیدحسن حسینی ابری، عضو هیات علمی گروه

جغرافیا، دانشگاه اصفهان درباره نتایج سفر علمی ایشان به جمهوریهای ترکمنستان، ازبکستان

و تاجیکستان در تاریخ ۷۰/۱۲/۲۶ تا ۷۱/۱/۱۲ همراه با هیات اعزامی از سوی دانشگاه اصفهان.

- ۲۶ - غازی، ا، پژوهشی در توسعه اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی در آستانه دهه پایانی قرن بیستم، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، شماره ۴، سال ششم، زمستان ۱۳۷۰، شماره مسلسل ۲۳، ص ۹۵-۷۶.
- 27 - a-Calder, N, "Spaceship Earth", Viking, London, 1991, PP.174-179.
- b-Sellis, W,S,"The Aral,A Soviet Sea Lies Dying", National Geographic, Vol 177, No 2, February 1990, pp.73-93.
- ۲۸ - لارین، م، «شوروی در نظام نوین بین‌المللی»، ترجمه سعیدی، س، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال پنجم، شماره ۲۷ و ۴۸، مرداد و شهریور ۱۳۷۰، ص ۱۱-۳.
- ۲۹ - رجایی خراسانی، س، «وحدت جهان اسلام، از رویا تا واقعیت»، خلاصه مقالات اولین سمینار بین‌المللی ویژگیها و مسائل جغرافیایی جهان اسلام، ۱ تا ۳ اردیبهشت ۱۳۷۱، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده علوم جغرافیایی، ص ۳۵.
- ۳۰ - مقاله زیر می‌تواند در درک نسبی شرایط حساس بین‌المللی و منطقه‌ای جهان معاصر، ما را یاری دهد.
- ورجاوند، پ، «نظم نوین در خاورمیانه و هدفهای آمریکا و غرب»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال پنجم، شماره ۲۷ و ۴۸، مرداد و شهریور ۱۳۷۰، ص ۱۶-۱۲.
- ۳۱ - خواجه، ف، «نیروی محرکه وحدت مسلمانان جهان»، خلاصه مقالات اولین سمینار بین‌المللی ویژگیها و مسائل جغرافیایی جهان اسلام، ۱ تا ۳ اردیبهشت ۱۳۷۱، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده علوم جغرافیایی، ص ۳۴.
- ۳۲ - حافظ‌نیا، م، ر، «وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس»، خلاصه مقالات اولین سمینار ویژگیها و مسائل جغرافیایی جهان اسلام، ۱ تا ۳ اردیبهشت ۱۳۷۱، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده علوم جغرافیایی، ص ۲۶.
- ۳۳ - تا زمان تحقیق و تدوین این مقاله آخرین تلاشهای جمهوری اسلامی ایران به منظور تأمین صلح و آرامشی پایدار در منطقه اکو، به صورت مشارکت فعال در نشست سران کشورهای عضو اکو در عشق‌آباد ترکمنستان در روزهای ۱۹ تا ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۱ بوده است. مآخذ: اخبار سیمای جمهوری اسلامی ایران، ساعت‌های ۷ و ۹ شب روز سه‌شنبه ۲۱/۲/۱۳۷۱ و کیهان، دوشنبه ۲۱/۲/۷۱، شماره ۱۴۴۷۱، ص ۲-۱.

نقشه الف - نواحی اقتصادی بزرگ، ۱۹۶۱



نقشه ب - نواحی اقتصادی بزرگ، ۱۹۹۱



نقشه شماره (۲) طرحهای آبیاری شوروی سابق در آسیای مرکزی

